

## سخنی پیرامون شبنامه مبتذل و مستهجن و شبنامه نویسان جاسوس مشرب

به سایت "پیام آزادی" و پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"

مشو آیینۀ دیگران ، بر آیینۀ خود را نگر  
زبان آیینۀ گویا تر ز هر زبان دگر است  
( رحیمه توخی )

رحیمه توخی

( ۱۵ نومبر ۲۰۱۱ )

تا کنون کمتر دیده و شنیده شده که دو مرد غربی در جریان برخورد و گلاویز شدن با یکدیگر پای زنان شان را به میان کشیده ، و آنان را مورد توهین و تحقیر و داو و دشنام قرار بدهند ؛ زیرا که هر یک شان دارای شخصیت جداگانه بوده ، و وابسته به یکدیگر نمی باشند ؛ مگر در کشور ما و برخی کشورهای اسلامی دیگر ، حینی که جنگ میان دو مرد ( بی فرهنگ و بی خرد ) در می گیرد ، نخستین کلمه ای که از دهن کثیف آنان شنیده می شود دشنام به مادر ، به خواهر و به خانم طرف مقابل می باشد . علت اصلی این عمل ناشایست ذهنیت کهنه وافکار ضد انسانی مالکیت مرد بر زن بوده که از جهتی ریشه در دین و مذهب اسلام دارد . از همین سبب در آغاز پرخاش ، هریک به مالکیت خصوصی فرد دیگر [ که آن را منحیث ناموس خود مقدس دانسته و بیش از هر چیزی آن را مورد حمله قرار می دهند ] ؛ یعنی به زنان یکدیگر داو و دشنام می دهند . هر گاه شرایط چیره شدن یک تن بر تنی دیگر از لحاظ توانمندی و امنیتی میسر باشد ، فرد برتر ، بر زن یا دختر ، یا خواهر و یا پسر طرف مقابل تجاوز می کند . مردم در اسارت قرار گرفته ما نمونه های ننگینی از این نوع انتقام گیری ها را خاصاً در بیش از سی سال اخیر در کشور خونین پیکر خود - که توسط باندهای جنایتکار اجیر و مزدور بیگانه صورت گرفته - به خاطر دارند . عکس آن ، هر گاه دو خانم با هم دیگر برخورد نمایند کمتر دیده و یا شنیده شده که آن دو پای شوهران خویش را به میان کشیده و آنها را مورد توهین و تحقیر قرار داده باشند . برخی از آنان هر داو و دشنامی را که لازم دانند نثار همدیگر می کنند .

نمی دانم روی کدام انگیزه و بر مبنای کدام هدف سیاسی شبنامه نویسان فاقد تمام صفات و ارزش های جامعۀ انسانی - که زخم های چرکین و گندیده ای در شخصیت اجتماعی و سیاسی خود دارند - به خاطر کوبیدن فرد مورد نظر شان ( محترم آقای موسوی ) پای زنان شریف و عفیف و مبارزی را که نامبرده به لحاظ اجتماعی و یا سیاسی با شوهرانشان در تماس بوده ، به میان کشیده و آنان را با بی حیایی مختص به جاسوسان حرفه یی شرفباخته مورد اهانت قرار داده اند .

اخلاق ، که خود مقوله ای طبقاتی می باشد ؛ در واقع آن جوهر و گوهری است که انسان آگاه و با شرف آن را در مناسبات اجتماعی و سیاسی جداً در مرکز دید خویش قرار می دهد . زن و یا مردی که نتواند ارزش های اخلاقی و

سنت های پسندیده اجتماعی و فرهنگی را که ریشه در تاریخ جامعه انسانی دارد ، حفظ و حراست نماید ؛ جای بس تأسف است .

مقوله معروف زنان " ناقص العقل " اند که همواره ورد زبان مسلمانان ، همچنان جاسوس مشربان مسلمان نمای شبنامه نویس ، نیز بوده و از کار برد آن در مورد زنان احساس برتری عقلی و شخصیتی می نمایند ؛ مقوله ای است عاری از هرگونه بار علمی ، اکنون این مقوله در شیوه استدلال آنان در متن شبنامه شان بطور برانزده ای بازتاب یافته و بیش از همه در مورد خودشان مصداق منطقی پیدا کرده است .

اینک به جمله اهانت باری که درج شبنامه مستهجن ، ضد اخلاق و ضد شرافت انسانی آنان شده ، توجه نمائید : « - نمک خوردن در فامیل ها و ریدن به نمکدان های آنها بصورت بسیار نا شریفانه » ( بحث بالای " بصورت " کم و یا " بسیار شریفانه " باشد بجایش ) ، استنباط هر فرد عاقل از جمله فوق شبنامه نویسان کور سواد ( به گفته زنده یاد غبار ) ، جز این بوده نمی تواند :

شخص مورد نظر شب نامه نویسان ناکس و وجدان فروخته ، درخانه هریک شان- که دست به نوشتن چنین شبنامه ای زده اند - نه تنها در این دیار ؛ بلکه از زمان های بسیار پیش هم رفت و آمد داشته است . با این استدلال خانم های بیچاره خود را ( از روی کم عقلی و خرد باختگی در چنبر این اهانت پرتاب نموده اند . همین جاست که مقوله " ناقص العقل " در مورد خود شبنامه نویسان جاسوس مشرب مصداق منطقی پیدا کرده است .

اینان که هم در زمان کودتای ننگین خلق و پرچم و اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم شوروی ، و هم در دهه اخیر [ که امپریالیزم جنایت کار امریکا و شرکاء در کشور ما به سلاخی مردم مظلوم و غارت کشور تا اکنون مشغولند ] متجاوزان و خاینان و ارتجاع داخلی و خارجی را همواره مورد ستایش و تکریم قرار داده ، در پیشگاه شان زانوی تسلیم و بنده گی بر زمین زده به دست بوسی آنان پرداخته و افتخار هم نموده اند ؛ ناموس خود را نیز در چنبر چنین اتهامی بسیار بسیار ناشریفانه که خود ساخته و پرداخته ؛ قرار داده اند .

یاد رزمندگان و حماسه آفرینان " جریان دموکراتیک نوین افغانستان " و سازمانهای انقلابی راستین کشور ؛ چون شاه آغا راشد ها ، مجید ها ، بهمن ها ، مسجدی ها ، لطیف محمودی ها ، فیض احمد ها گرمی باد که در دوران اختناق و پیگرد ، بخصوص در دوره باند های جنایتکار و مزدور خلق و پرچم و خاد که سوسیال امپریالیزم بر کشور ما تجاوز کرد ، روز ها و شب ها را در خانه های رفقای سازمانی ؛ از جمله در خانه ما به صورت مخفی سپری می نمودند ، گرمی باد ! در آن سال ها و در آن روز ها ، هیچ گاهی از همچون حرفها و کلمات دور از شرف انسانی و بدنام کننده در میان نبود ؛ زیرا که آنان مبارزان راستین راه آزادی انسان زحمتکش از یوغ استثمار ، استعمار و امپریالیزم بودند . و تسلیمی های نانجیب و جاسوسان نفوذی - این دست بوسان دیو خون آشام خاد ( نجیب گاو ) - در آن ایام جرأت برآمد علنی نداشتند . از زمانی که با نوازش امپریالیزم جنایتکار امریکا و شرکاء و ارتجاع بومی پر و بال شان باز شده و احساس مصونیت می نمایند ، می خواهند ذهنیت عده ای از هم وطنان ما را با نوشتن چنین اراجیفی که از عمق ضمیر آلوده و وجدان فروخته شده شان بیرون زده ، مغشوش سازند ، و خود را با تقوا و شریف ! و مبارز! و... جا بزنند ؟

امید که هر چه زودتر ماسک و مکیاز از چهره شبنامه نویسان دستور گرفته از منابع استخبارات کشور های امپریالیستی و شرکای آنها من جمله " شورای نظار " برداشته شده و هویت اصلی آنان در پیشگاه مردم ما برملا شود . [۱]